

مجله پژوهش‌های اسلامی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷

بازخوانی نظریه اشتراط تعدد اقرار در اثبات زنا*

محمد محسنی دهکلائی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی

چکیده

زنا، تنها به واسطه تعدد و تکرر اقرار (چهاردفعه) اثبات می‌شود و اقرار به کمتر از آن، موجب ثبوت حد نیست. این نظریه‌ای است که مشهور فقهای امامیه بدان قایلند. در این میان، ابن ابی عقیل عمانی در برابر جریان مشهور اقرار گرفته و معتقد است این‌گونه جرایم به وسیله یک اقرار نیز قابل اثبات است.

نگارنده با بازخوانی این مسأله و با تحلیل و ارزیابی مدارک و مستندات هر دو قول، نظریه سومی را اختیار نموده است. اجمالاً نگارنده معتقد است یک اقرار واجد تمام شرایط نفوذ، برای اثبات جرم فوق کافی است؛ لکن تنها در زنا، موجب رجم به واسطه وجود روایات در این زمینه اثبات آن محتاج چهار اقرار مستقل است. اصل و صدر این نظریه علاوه بر دارا بودن دلیل خاص با عمومات و اطلاعات ادله نظیر عموم «اقرار العقلاء علی انفسهم جایز» سازگار است و فقره پایانی آن با «اصل احتیاط در دماء» همخوانی بیشتری دارد. ظاهراً نگارنده در ارائه این قول متفرد است و مقاله حاضر نمایانگر تکاپوی وی در اعتبار دهی به مدعای خویش است.

واژگان کلیدی

زنا، ادله اثبات، اقرار، اشتراط تعدد، رای شاذ.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۸/۲۹ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۷/۲۱

درآمد

شکی نیست، شارع مقدس اقرار را به عنوان یکی از ادله اثبات، بلکه قویترین آنها دانسته است؛ لکن پرسش اصلی در پژوهش حاضر آن است که آیا زنا به واسطه یک اقرار اثبات می‌شود و یک اقرار تنها در اثبات آن کافی خواهد بود؟ و یا اینکه اثبات آن و دیگر جرایم مشابه نیازمند تعدد و تکرر اقرار است؟ و با این فرض که تکرر اقرار را شرط بدانیم، سوال دومی که مطرح می‌شود، آن است که حداقل اقرار در اثبات چنین جرایمی چند تاست؟

بیان اقوال

قبل از بررسی ادله موجود به بیان اقوال در این مسأله می‌پردازیم:

الف) فقهای امامیه، در این باره دو قول را برگزیده‌اند که یکی منسوب به مشهور ایشان و دیگری رأی شاذی است که منسوب به ابن ابی عقیل عمانی است.

قول مشهور: مشهور فقهای امامیه معتقدند جرایمی مثل زنا با اقرار کمتر از ۴ بار اثبات نمی‌شوند. ذیلاً به کلام برخی از ایشان اشاره می‌کنیم: مرحوم مفید در مقنعه می‌نویسد: «اذا اقر الانسان علی نفسه بالزنا اربع مرات علی اختیار منه للاقرار وجب علیه الحد و ان اقر مرة أو مرتین أو ثلاثاً لم یجب علیه الحد بهذا الاقرار» (مفید، ۱۴۱۰، ص ۷۷۵) جناب شیخ مفید در این عبارت به صراحت معتقد است جرایم جنسی موجب حد، تنها با ۴ اقرار اثبات می‌شوند و حتی تصریح می‌کند اقرار به کمتر از آن مثبت حد نیست. البته خواننده محترم توجه دارد ذکر جرم زنا در کلام مفید و دیگر فقها موضوعیتی ندارد و مطلب مورد اتفاق همه ایشان است که تمام جرایم جنسی موجب حد از این حیث، واجد حکم یکسانی هستند.

جناب سلار در المراسم می‌فرماید «و کل حدود الزنا- علی اختلافها- لا تثبت الا ... الاقرار اربع مرات» (سلار، المراسم العلویه، ۱۴۱۴، ص ۲۵۴) علی اختلافها در کلام وی اشاره به این نکته است که همه اقسام زنا از حیث نوع حد (رجم، جلد و...) از جهت چگونگی اثبات، فرقی میان‌شان نیست.

قاضی ابن براج نیز معتقد است «فاما الاقرار، فهو اقرار الانسان الكامل العقل المختار علی نفسه اربع مرات... فان أقر أقل من اربع مرات، لم یحکم علیه بالزنا» (قاضی ابن براج، بی‌تا، ۲، ص ۵۲۴) همو در جایی دیگر مجدداً تاکید می‌کند: «فاقرار المرثه علی نفسها اربع مرات بذلک كما سلف ذکره فی الزنا» (همان، ص ۵۳۲).

صاحب مبسوط و نهاییه به تبعیت از اسلاف خود می‌فرماید «لا یثبت حد الزنا الا بالاقرار اربع مرات من الزانی» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ص ۸، ۴). از میان متاخرین نیز علامه به پیروی از دیگران می‌فرماید «المشهور عند علمائنا انه لا یقبل الاقرار بالزنا الا اربع مرات ذهب الیه

الشیخان و ابن جنید و غیر هم» (علامه حلّی، ۱۴۱۲، ص ۱۶۵، ۹). همانطور که از کلام علامه بر می آید، قول به اشتراط تعدد اقرار مختار مشهور امامیه است.

شهید ثانی در مسالک همین قول را برمی‌گزیند و تصریح می‌کند «اتفق الاصحاب الا من شد علی ان الزنا لا یثبت علی المقربه علی وجه یثبت به الحد الا ان یقر به اربع مرات» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۳۴۱، ۱۴). شهید این قول را مشهور قریب به اجماع می‌داند.

ابن ادریس در سرائر (۳، ۴۶۸)، محقق در شرایع (۴، ۹۳۶) و مختصر النافع (۲۱۴)، فاضل آبی (الفاضل، بی تا، ۲، ۵۴۳)، علامه در آثار خود (علامه حلّی، ۱۴۱۳، ۳، ۵۲۲؛ علامه حلّی، ۱۴۱۰، ۱۷۱، ۲؛ علامه حلّی، ۱۴۲۰، ۲، ۲۲۱) و دیگران (شهید ثانی، بی تا، ۹، ۳۳؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ۱۳، ۲۳؛ سید علی طباطبایی، ۱۴۰۴، ۲، ۴۶۲؛ سید احمد خوانساری، ۱۳۵۵، ۷، ۱۶) نیز با عباراتی قریب به یکدیگر همین قول را اختیار نموده‌اند.

شهرت این قول به حدی است که صاحب جواهر آن را بلاخلاف یافته است. وی می‌فرماید «و تکرار الاقرار اربعاً فی اربعه مجالس بلا خلاف معتد به اجده فی الاول عندنا» (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ص ۴۱، ۲۸۰) و حتی فاضل هندی ادعای اجماع بر آن می‌کند: «الاول الاقرار ... و تکراره اربع مرات للاصل و النصوص و الاجماع» (فاضل هندی، ۱۴۰۵، ص ۳۹۴، ۲)؛ لکن اقرب به واقع همان است که علامه در مختلف و شهید در مسالک فرموده‌اند و قول مذکور دارای شهرت عظیمه (سید ابوالقاسم خویی، بی تا، ص ۱۷۵، ۱) است و اجماع مورد ادعا مخالف دارد.

قول نادر: در این میان تنها ابن ابی عقیل عمانی از قدمای امامیه در مقابل جریان مشهور قرار دارد. علامه حلّی در مقام نقل کلام ایشان در کتاب مختلف الشیعه می‌نویسد: «قال ابن ابی عقیل: اذا اقر الرجل أو المرأة بالزنا ثم جحدًا جلدًا و قد قیل اذا اقر المحصن بالزنا رد اربع مرات ثم رجم و هذا یعطى قبول المرّة الواحدة» (علامه حلّی، ج ۹، ص ۱۶۵). از آنجا که از کتب فقهی قدما چیزی در دست نیست، به ناچار براساس نقل دیگران باید به قضاوت و داوری سخن ایشان نشست. طبق نقل علامه از کلام ابن ابی عقیل دو احتمال در مورد کلام ایشان به ذهن می‌رسد.

احتمالات کلام ابن ابی عقیل

احتمال اول اینکه عبارت و قد قیل ادامه نقل سخن ابن ابی عقیل باشد. در این صورت، نظر ابن ابی عقیل این است که زنا به واسطه یک اقرار ثابت می‌شوند، به جز زناى محصن که اثبات آن محتاج ۴ اقرار است، مؤید این احتمال آن است که در این مسأله قایل سومی نمی‌شناسیم تا قول «قیل» را به وی نسبت دهیم.

اما اشکالاتی به این احتمال وارد است که از آن جمله ناسازگاری با ظاهر کلام علامه است؛ چرا که ظاهراً «قیل» قولی مستقل از عبارت قبلی است، ثانیاً: همه بزرگانی که در این مسأله متعرض کلام ابن ابی عقیل شده‌اند، «قول به اعتبار اقرار واحد را در مطلق زنا» به وی نسبت می‌دهند و قایل به تفصیل در نقل کلام ایشان نشده‌اند.

همان‌طور که شهید در مسالك می‌نویسد: «یظهر من ابن ابی عقیل الاكتفاء بمرّة» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۱۴، ۳۴۱) و یا صاحب ریاض آنجا که می‌نویسد «تکرار الاقرار اربعاً..... لا خلاف فيه..... الا من ظاهر المعانی فاكتفى بالواحد» (سید علی طباطبایی، ۱۴۰۴، ص ۲، ۴۶۲) یا صاحب جواهر در مقام تضعیف قول ابن ابی عقیل می‌گوید: «نعم عن اکثر العامة الاكتفاء بالمرّة و نسب الی ظاهر ابن ابی عقیل منا و لا ریب فی ضعفه» (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ص ۲۸۰، ۴۱).

از ظاهر تمام نقل‌های مذکور معلوم می‌شود قول به اعتبار اقرار واحد در مطلق جرایم جنسی موجب حد، مختار ابن ابی عقیل عمانی در آثارش می‌باشد.

احتمال دوم: با این توضیح به نظر می‌رسد احتمال دوم کلام ابن ابی عقیل احتمال ارجح باشد که وی اقرار واحد را در اثبات مطلق این‌گونه جرایم کافی می‌داند. در این صورت، در توجیه کلام علامه باید گفت قول ابن ابی عقیل همان صدر کلام علامه است، لکن (وقید قیل) اشاره به روایتی است که دلالت دارد بر عدم اثبات زنا محض مگر با ۴ اقرار، با این توجیه در واقع (قیل) قول نیست، بلکه وجهی است که روایت دال بر آن است (ما متن روایت را تحت عنوان صحیحه فضیل بعداً نقل خواهیم نمود). این احتمال با ذیل کلام علامه نیز تناسب بیشتری دارد، آنجا که می‌فرماید: «هذا يعطى قبول المرّة الواحدة» (مختلف الشیعه، همان).

ب) فقهای اهل سنت

اختلاف بیان شده در عبارات فقهای امامیه، عیناً در میان فقیهان عامه نیز وجود دارد؛ البته با این تفاوت که (اکتفا به اقرار واحد) بر خلاف شیعه، قول اکثر عامه است (اسماعیل المزنی، ۱۴۰۲، ص ۲۶۱؛ الحاوی الکبیر، ۱۳، ص ۲۰۶؛ الوجیز، ۱۹۶، ص ۲؛ رحمه ألامه، ۲۸۶؛ ابن رشد، بی تا، ۲، ص ۴۳۸).

در مقابل نیز برخی از ایشان مطابق مشهور امامیه چهار اقرار مجزا را در اثبات جرایم جنسی موجب حد لازم می‌دانند (السرخسی، بی تا، ج ۹، ص ۹۱؛ تبیین الحقائق، ج ۳، ص ۱۶۶؛ ابوبکر الکاشرانی، ۱۴۰۹، ص ۷، ۵۰؛ ابن قدامه، بی تا، ۱۰، ۱۶۰). در اینجا به همین مقدار از نقل اقوال بسنده می‌کنیم و به ارزیابی ادله دو قول می‌پردازیم.

مفاد ادله

مقتضای قاعده باب

قبل از ورود به ادله هر یک از دو قول مشهور و شاذ، شایسته است به تاسیس اصل پردازیم تا مرجع ما در موارد شک قرار گیرد. شاید در مقام ارائه اصل می‌توان ادعا نمود که سیره عقلا بر قبول مطلق اقرار واحد واجد همه شرایط اعتبار، مبتنی است. نتیجه این که انسان در مقام ترتب آثار بر اقرار مقرر نیازی به تکرار اقرار از سوی وی نمی‌بینید و چه بسا به همان اقرار اول به صحت گفته وی قطع حاصل کنند.

اقرار از این جهت با بینه متفاوت است؛ چرا که با یک، دو، سه و حتی چهار شاهد نیز برای انسان قطع به صحت شهادت حاصل نمی‌شود، اما اقراری که به دنبال خود، مال، جاه، مقام و را برای مقرر به همراه ندارد و بلکه مقرر به چیزی اقرار می‌نماید، که موجب جلد و حتی رجم وی می‌شود و خودش را آماده اجرای حد می‌نماید بلکه مقرر با اقرار خود درخواست و حتی التماس می‌کند تا برای تطهیر خود حد بر وی اقامه شود؛ چرا که معتقد است عذاب دنیا راحت‌تر از عذاب اخروی است، چنین اقراری موجب حصول اطمینان برای انسان می‌شود که قول و اقرار مقرر صحیح است و لو این که یکبار باشد، زیرا اقرار وی انگیزه‌ای جز صدق وی و ترس مقرر از عذاب الهی ندارد و وی به دنبال تطهیر خودش از تبعات عملی است که مرتکب شده است بدیهی است چنین اقراری تنها از سوی اهل ایمان و اخلاص و یقین صادر می‌شود. لذا شاید بتوان گفت: فرای ادله وارد در موضوع مقتضای قواعد ادله، اکتفا به اقرار واحد در اثبات جرایم می‌باشد؛ چرا که اصل عدم اشتراط زیادت است و عمومات و اطلاقات ادله نظیر عموم (اقرار العقلاء علی انفسهم جایز) نیز با آن سازگار است. ممکن است اشکال شود که برای نظریه تعدد اقرار هم حکمت‌هایی مانند: بنای شارع در مکتوم ماندن جرایم جنسی، سعی در امحای جرایم با توبه، باز دارندگی درونی،... برشمرد. در مقام پاسخ می‌توان گفت: نگارنده در مقام شمارش و استقصای حکمت‌ها برای کفایت یک اقرار نیست، بلکه اهتمام در تاسیس اصل است و بیان حکمت‌های مذکور در راستای اصل عدم اشتراط تعدد است، نه نفی چنین حکمت‌هایی برای قول مقابل.

مقتضای ادله

ابتدا مدارک و مستندات قول مشهور را بررسی می‌کنیم و در ادامه به سنجش مدارک قول نادر می‌پردازیم.

الف) ادله قول مشهور

مشهور فقها به صحت مدعای خود به ادله مختلفی تمسک نموده‌اند که از لا بلای کتب فقهی قابل دستیابی است؛ ادله‌ای نظیر:

۱- اخبار

روایت اول روایتی است از صدوق به سندی معتبر از سعد بن طریف از اصیغ بن نباته، قال أتت امرأة مجح امیر المؤمنین، فقالت یا امیر المؤمنین (ع) انی زینت فطهرنی، طهرک الله، فان عذاب الدنیا أیسر من عذاب الاخره الذی لا ینقطع. فقال لها مم اطهرک؟ قالت من الزنا. فقال لها: فذات بعل أنت أم غیر ذات بعل؟ فقالت ذات بعل - الی ان قال - فلما ولت عنه المراه من حیث لا تسمع کلامه، قال اللهم هذه شهادة فلم تلبث أن أتته فقالت انی وضعت فطهرنی فتجاهل علیها و قال اطهرک یا أمه الله مماذا؟ قالت انی زینت - الی ان قال - فلما ولت حیث لا تسمع کلامه، قال اللهم انهما شهادتان فلما ارضعته عادت الیه، فقالت یا امیر المؤمنین الی زینت فطهرنی، قال لها و ذات بعل اذ فعلت ما فعلت أم غیر ذات بعل؟ قالت بل ذات بعل. قال و کان زوجک حاضراً أم غائباً؟ قالت بل حاضراً. قال اذهبی فاکفلیه - الی ان قال - فانصرف و هی تبکی، فلما ولت حیث لا تسمع کلامه، قال اللهم هذه ثلاث شهادات الی ان قال فرجعت فاخبرت امیر المؤمنین بقول عمرو فقال امیر المؤمنین و لما یکفل عمرو ولدک، قالت یا امیر المؤمنین انی زینت فطهرنی - الی ان قال - فرفع امیر المؤمنین راسه الی السماء و قال اللهم انه قد اثبت ذلك علیها اربع شهادات الحدیث (حرعاملی، بی تا، ج ۱۸ باب ۱۶ از ابواب حد زنا، ح ۱).

روایات مطابق با متن الفقیه است. صاحب وسایل خبر مزبور را به قضاوت های امیر المؤمنین نسبت داده است و به نظر می رسد صاحب وسایل دچار سهو القلم شده است (سید ابوالقاسم خویی بی تا، ج ۱، ص ۱۷۴).

روایت دوم روایتی است از جمیل بن دراج از برخی اصحاب از یکی از صادقین علیهما السلام فی رجل اقر علی نفسه بالزنا اربع مرات و هو محصن رجم الی ان یموت أو یکذب نفسه قبل ان یرجم، فیکول لم افعل؛ فان قال ذلك ترک ولم یرجم - الی ان قال - لا یرجم الزانی حتی یقر اربع مرات بالزنا، اذا لم یکن شهود فان رجع ترک و لم یرجم (حرعاملی، بی تا، ج ۱۶ از ابواب حد زنا، ح ۲) این روایت نیز دلالت دارد بر این که برای اثبات زناى موجب رجم نیازمند به چهار اقرار مستقل هستیم.

روایت سوم (خبری است از علی ابن ابراهیم از احمد بن محمد که آن را مرفوعاً به امیر المؤمنین رسانید. راوی می گوید: اتاه رجل بالكوفه فقال یا امیر المؤمنین انی زینت فطهرنی قال ممن أنت؟ قال من مزینه. قال اتقرء من القرآن شیئاً؟ قال بلی. قال فاقراً. فقراً فاجاد. فقال ابک جنه؟ قال لا. قال فاذهب عنی حتی نسال عنک. فذهب الرجل ثم رجل الیه بعد فقال یا امیر المؤمنین انی زینت فطهرنی. قال الکک زوجہ؟ قال بلی. قال فمقیمه معک فی البلد؟ قال نعم. فامره امیر المؤمنین فذهب و قال حتی نسال عنک فبعث الی قومه فسال عن خبره. فقالوا یا امیر

المؤمنین صحیح العقل. فرجع. الیه الثالثه فقال مثل مقالته. فقال اذهب حتی نسال عنک. فرجع الیه الرابعه فلما اقر، قال امیرالمؤمنین لقنبر احتفظ به ثم غضب..... الحدیث. در ادامه روایت آمده که وی را رجم نمود (همان، ۱۸ باب ۱۶ از ابواب حد زنا، ح ۳).

روایت چهارم) روایتی است از ابن ابی عمیر از جمیل از امام صادق (ع) که فرمود لا یقطع السارق حتی یقر بالسرقة مرتین و لا یرجم الزانی حتی یقر بالزنا اربع مرات (همان، ح ۴).
روایت پنجم) خبری است از ابی مریم از امام باقر (ع) که فرمود: اتت امرأه امیرالمؤمنین فقالت انی قد فجرت. فاعرض بوجهه عنها، فتحولت حتی استقبلت وجهه. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. ثم استقبله. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. ثم استقبله. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. ثم استقبله. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. ثم استقبله. فقالت انی قد فجرت، فاعرض عنها. ثم استقبله. فقالت انی قد فحفر لها حفیره فی الرحبه و خاط علیها ثوبا جدیدا و ادخلها الحفیره الی الحقو و موضع الثدین و اغلق باب الرحبه و رماها بحجر الحدیث (همان، ح ۵).

از طریق عامه نیز اخباری در خصوص اشتراط تعدد اقرار موجود است که در ادامه یکی از آن اخبار را ذکر می‌کنیم.

روایت ششم) خبری است معروف به حدیث ماعز که ابن مسیب و ابی سلمه از ابوهریره نقل کرده‌اند که گفته است: اتی رسول الله (ص) رجل من الناس و هو فی المسجد، فناداه یا رسول الله انی زیت یرید نفسه. فاعرض عنه النبی (ص). فتنحی لشق وجهه الذی اعرض قبله فقال یا رسول الله انی زیت. فاعرض عنه فجاء لشق وجه النبی (ص) الذی اعرض عنه فلما شهد علی نفسه اربع شهادات، دعاه النبی فقال ابک جنون؟ فقال لا یا رسول الله فقال احصنت؟ قال نعم یا رسول الله. قال اذهبوا فارجموه (سنن البیهقی، بی تا، ۸، ص ۲۲۵) در برخی از الفاظ حدیث آمده است شهدت علی نفسک اربع شهادات اذهبوا به فارجموه (السجستانی، بی تا، ۴، ۱۴۷) و در روایت دیگری این‌گونه آمده است: انه لما اعترف ثلاث مرات، قال له ان اعترفت الرابعه رجمتک، فاعترف الرابعه. آن‌چه که تمام روایات مذکور به صراحت بر آن دلالت دارند، این است که اجرای حد چه در عصر پیامبر و چه در دوره ائمه دیگر، اجرای حد زنا منوط به اقرار چهارم مقرر شده است و از این جهت، فرقی میان اخبار منقول از طریق عامه با روایات منقول از طریق خاصه نیست.

اشکالات روایات فوق

لکن اشکالاتی ذیل تمام این اخبار مطرح است؛ از آن جمله:

اشکال اول) اشکال شده است پذیرش مکرر اقرار از سوی پیامبر و ائمه دیگر به خاطر

تردیدی است که وجود دارد؛ چرا که ممکن است مقرر در لحظه اقرار و یا در وقت ارتکاب

معصیت دیوانه، شارب الخمر و.... باشد؛ لذا تاکید ایشان برای اخذ اقرارهای متعدد جهت رفع هر گونه شبهه از این جهت است. (استثبات) (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ص ۱۴، ۳۴۲).

جواب اشکال: در جواب این اشکال گفته شده است: استثبات (رفع تردید) اقرار را مقید به عدد چهار نمی‌کند؛ چرا که ممکن است نسبت به فردی بعد از حتی اقرار نخست به صحت گفته وی (ثبیت) اطمینان حاصل شود، اما اینکه تمام معصومین در مقام اخذ اقرار و در حالت بحث و سؤال از مقرر اصرار به تکمیل اقرار چهارم داشته‌اند، این نکته را می‌رساند که عدد در این گونه اقرار موضوعیت دارد.

اشکال دوم اشکال مهمی که بر این روایات وارد است، این است که مورد همه آنها رجم است یا این که اخبار تنها متعرض قسم رجم آن شده‌اند و در آن ذکری از جلد به میان نیامده است؛ یعنی امام در مقام احراز استحقاق حد رجم اقدام به اخذ چهار اقرار از مقرر نموده است و حال آن که مدعی قول مشهور اشتراط تعدد اقرار در مطلق زناست. آنچه اشکال فوق را تقویت می‌کند، این است که در روایتی مثل خبر جمیل (روایت چهارم) تصریح شده اثبات سرقه نیازمند ۲ اقرار و اثبات رجم محتاج ۴ اقرار است. اگر جلد نیز به مانند رجم تنها به واسطه ۴ اقرار اثبات می‌شد، ذکر آن لازم می‌بود.

جواب اشکال: برخی از فقها در مقام رفع اشکال برآمده، معتقدند اگرچه مورد همه روایات رجم است، لکن حکم جلد از دو طریق قابل استفاده است:

۱- تنزیل اقرار به شهادت: در برخی از روایات مذکور (مثل خبر اول) امام تصریح می‌نماید اقرار به منزله شهادت است؛ لذا همان‌طور که زنا جز با چهار شهادت قابل اثبات نیست، اقرار به کمتر از عدد مربوط مفید اثبات نخواهد بود.

۲- اگر جلد بایک اقرار قابل اثبات بود، دیگر دلیلی برای تأخیر حد بعد از اقرار اول باقی نمی‌ماند و امام منتظر تکمیل عدد اقرار باقی نمی‌ماند و حال آن که همه اخبار حاکی از آنند که تا زمانی که مقرر خود اقدام به تکمیل تعداد اقرار نمی‌کرد، ایشان اقدام به اجرای حد نمی‌نمودند و این به معنای تأخیر حد از وقت شرعی ثبوت نیست بلکه حتی دلیلی است بر این مطلب که شرط ثبوت حد در جرم زنا پایان چهارمین اقرار خواهد بود (سید ابوالقاسم خویی، بی تا، ص ۱۷۵، ۱).

اشکال بر جواب اشکال: به نظر می‌رسد توجیهاات گفته شده تام نبوده و اشکال مذکور به قدرت خود باقی است، چرا که در پاسخ توجیه نخست می‌گوییم: اولاً تنزیل مذکور صرفاً در روایات رجم است که امام ذیل اقرار اول فرموده است (فذات بعل فقات ذات بعل) یعنی اقرار موجب رجم به مانند شهادت است؛ همان‌طور که در شهادت موجب رجم، تعدد و تکرار لازم است؛ در اقرار موجب رجم نیز این چنین است و حال آنکه محل بحث مطلق اقرار است،

نه اقرار موجب رجم **ثانیاً** مجرد اطلاق شهادت بر اقرار موجب اتحاد حکم اقرار و شهادت نمی‌شود تا این که بگوییم همان‌طور که در شهادت بر مثلاً زنا ۴ بینه برای اثبات لازم است، پس در اقرار بر زنا نیز عدد خاص معتبر می‌باشد؛ چرا که فرق میان اقرار و شهادت از جهات مختلف معلوم است؛ مثلاً حاکم در عفو مجرم تاییی که بعد از اقرار توبه نمود، مخیر است؛ لکن اگر جرم همان مجرم به واسطه بینه ثابت می‌بود، عفو وی جایز نبود.

در رد توجیه دوم نیز می‌توان ادعا نمود محصن و محصنه حد شان رجم است و نه جلد، رجم متفرع بر ۴ اقرار است و حال آن که لزوم تأخیر حد تنها در حد جلد است. مضافاً به این که احتمال حمل ممکن است موجب تأخیر حد شود تا احیاناً موجب قتل احتمالی حمل شود. این احتمال نیز بعید نیست (سید احمد خوانساری، ۱۳۵۵، ص ۱۷، ۷).

از این روی سؤالی که ذهن نگارنده را به خود مشغول ساخته، این نکته است که چگونه فقها در مطلق زنا حد اعم از رجم و جلد حکم به اعتبار چهار اقرار نموده‌اند. آیا خبری در این مورد غیر از اخبار مذکور وجود دارد که نگارنده بر آن اطلاع نیافته است؟ ظاهراً پاسخ منفی است؛ چرا که صاحب این قلم با بررسی آثار قدما و متأخرین و حتی معاصرین به دلیلی از غیر از اخبار مذکور دست نیافته است.

- آیا اجماعی مبنی بر عدم فرق میان رجم و جلد در این مورد وجود دارد؟

- آیا به واسطه تنقیح مناط حکم جلد را ملحق به رجم نموده‌اند؟

- آیا

۲- اجماع: شیخ در کتاب خلاف ذیل مسأله محل بحث می‌نویسد: دلیلنا اجماع الفرقه و اخبار هم و ایضاً الاصل برائة الذمه و اذا اقر اربع مرات علی بیناه لزمه الحد بلاخلاف و لا دلیل علی استحقاقه باقرار مرة واحدة (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ص ۳۷۸، ۵).

لکن این اجماع هم از جهت صغروی و هم به لحاظ کبرای خود قابل مناقشه است، چرا که همان‌طور که اذعان شد، مسأله محل اختلاف است، مگر اینکه خروج فرد معلوم النسب را مضر و مخل به تحقق اجماع ندانیم؛ اگر چه مدرکی بودن آن نیز موجب طرح و ورود اشکال دیگری بر آن است.

اگر اشکال شود که اخبار وارده در مورد زنا محصنه است و اجماع فقهاء مبنی بر تعدد اقرار در غیر محصنه است، لذا مدرکی نیست. جواب: این اجماع به حسب مبنای مجمعی مدرکی است، چون ایشان به این اخبار استناد کرده و پس از آن ادعای اجماع کرده‌اند. دست کم محتمل المدرکی بودن آن قابل انکار نمی‌باشد.

۳- تنقیح مناط: از جمله ادله ای که شایسته آن را دارند که مورد استفاده مشهور فقها قرار گیرند، تنقیح مناط است. بدین صورت که ادعا شود حکم اشتراط تعدد اقرار در زنا

غیر موجب رجم (اعم از جلد و قتل) را به واسطه تنقیح مناط روایات وارد در باب زنا می‌باشد. رجم به دست می‌آوریم. لکن بی‌تردید می‌توان پاسخ گفت: اولاً ممکن است حکم شارع به اشتراط تعدد اقرار به واسطه لحاظ خصوصیتی در رجم می‌باشد که این خصوصیت در غیر رجم اعم از جلد و حتی قتل وجود ندارد. به عبارت دیگر، در این مورد تنقیح مناط ظنی و مبنی بر الغای خصوصیت احتمالی است؛ حال آنکه نزد اصولیون تنقیح مناط قطعی معتبر است. ثانیاً در فرض جلد می‌توان مدعی این شد که اصولاً مجرای تنقیح مناط نیست؛ چرا که رجم اشد از جلد است. از آنجا که به واسطه رجم از هاق نفس رخ می‌دهد و حال آنکه در جلد مجرد تعذیب است و فرد خاطی بعد از آن به زندگی خودش ادامه می‌دهد، لذا هیچ شباهتی میان رجم و جلد نیست، لذا شایسته نیست که ملتزم شویم هر آنچه که در تحقق امر اشد و اشد شرط است و معتبر می‌باشد، در امر اسهل نیز شرط باشد و لحاظ گردد.

۴- اصل براءت ذمه: جناب شیخ در فقره پایانی ادله، اصل براءت ذمه از حدود را دلیل بر شرطیت تعدد اقرار دانسته است؛ لکن به ایشان عرض می‌کنیم سخن شما زمانی درست است که در مقام شك عامی که بدان رجوع شود، وجود نداشته باشد و الا در صورت وجود چنین عامی شك ما در حقیقت، شك در تخصیص و عدم تخصیص است و مرجع رفع شك همان عام مفروض است و نه اصل براءت؛ چرا که اصل (براءت) دلیل حیث لا دلیل و در فرض وجود عام، وجود دلیل مسلم است در ما نحن فیه حدیث نبوی اقرار العقلاء علی انفسهم جایز و دیگر اخبار (حرعاملی، بی تا، ص ۱۶) عامی است که ظهور در عموم دارند، بله ما هم قبول داریم در اقرار زانی محصن به مقتضی روایات مذکور این عام تخصیص خورده از آن خارج می‌شویم و حکم به عدم اعتبار اقرار به کمتر از ۴ بار در باب رجم می‌دهیم و فی الجمله این عام به واسطه وجود خاص تخصیص می‌خورد؛ اما در مورد جلد دلیلی بر استثنای آن از عام نداریم؛ لذا در صورت شك در تخصیص مرجع عام قبلی است که مقتضای آن حجیت و اعتبار یک اقرار تنهاست و این به خاطر وجود دلیل لفظی است که مقدم بر اصل عملی می‌باشد. به عبارت دیگر، مسأله از قبیل تمسک به شبهه مفهومیه دایر میان اقل و اکثر است، زیرا امر دایر میان این که مطلق زانی استثنا شده یا خصوص زانی محصن. در این مورد اقل متیقن و نسبت به اکثر عموم عام جاری است. (آخوند خراسانی، ۱۴۲۷، ص ۲۲۱ و نایینی، ۱، ص ۵۲۴).

البته ممکن است اشکال شود جمله مذکور عام شرعی و دلیل لفظی نیست تا بدان تمسک شود، بلکه این عبارت اصطیاد فقهاست. (سید محمد رضا گلپایگانی، ۱۴۱۲، ص ۱۳۱) به بیان دیگر، عبارت «اقرار العقلاء علی انفسهم» تنها در کتاب عوالی اللئالی به عنوان حدیث نبوی ذکر شده و با ثابت نشدن این امر، نمی‌توان به عنوان یک دلیل لفظی به آن تمسک کرد. لکن

به نظر می‌رسد این گفته که این عبارت اصطیاد فقهاست، درست نباشد. زیرا اولاً ظاهر عبارت خلاف آن را ثابت می‌کند (سید محمد رضا گلپایگانی، همان) ثانیاً تعبیر صاحب وسایل قبل از نقل حدیث در باره این خبر چنین است: «روی جماعه من العلماء» (حرعاملی، ۱۶، ص ۱۱۱) به نظر می‌رسد این عبارت حاکی از روایت بودن آن است. ثالثاً بسیاری از فقها با اطمینان به صدور و تعبیر به حدیث نبوی، حتی ادعای تواتر و استفاضه آن را نموده‌اند (صاحب جواهر، ۳/۳۵) و برخی دیگر به استناد اتفاق فریقین بر نقل این حدیث ادعای تواتر را بعید ندانسته‌اند (بجنوردی، ۴۳/۳) رابعاً عام قابل استناد منحصر به این عبارت نمی‌باشد تا جایی که محدث عاملی در جلد ۱۶ وسایل، بابی را با عنوان صحه الاقرار من البالغ العاقل و لزومه له به روایات که مفاد آنها قبول مطلق اقرار است، اختصاص داده است.

اشکال: مقتضای قاعده درء الحدود عدم تأثیر یک اقرار است.

جواب: پاسخ این اشکال نیز معلوم است، چرا که با وجود اصل لفظی در مقام مثل اصل عدم تخصیص و با وجود عام شرعی دیگر شبهه ای باقی نماند تا حد به واسطه آن درء و رها شود.

اشکال دیگر: مقتضای احتیاط در دماء اعتبار تعدد اقرار است. جواب: اولاً این یک دلیل فقهی است که در طول ادله اجتهادی جای دارد و با وجود عام مذکور و دلیل خاصی که می‌آید، به اصل احتیاط نوبت نمی‌رسد. ثانیاً در برخی صور مثل زناى موجب جلد، دماء و نفوس مطرح نمی‌باشد تا موضوع احتیاط محقق گردد.

۵- دو روایت مربوط به قذف: برخی از فقهای معاصر علی‌رغم پذیرش اشکالات وارده بر ادله قول مشهور، دلالت دو خبر ذیل را که مربوطه به باب قذف است، را مدعای قول مشهور تام دانسته، لذا متمایل به رای مشهور شده‌اند (همان، ۱، ص ۱۳۱). متن این دو حدیث به قرار ذیل است:

روایت اول) صحیحه محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) فی رجل قال لامرأته یا زانیه انا زنیت بک قال علیه حد واحد لقذفه ایاها و اما قوله انا زنیت بک فلاحد علیه الا ان یشهد علی نفسه اربع شهادات بالزنا عند الامام (الکافی ۲۱۱/۷ و حرعاملی، بی‌تا، ۴۷۷/۱۸) طریقه استدلال به این خبر بدین صورت است که عبارت (انه زنیت) یعنی مرد با همسر خود قبل از نکاح و ازدواج با وی زنا نمود، در این صورت، از مصادیق زناى موجب جلد خواهد بود و یا حداقل به سبب اطلاق خبر و عدم استفصال امام، اعم از آن و زناى موجب رجم می‌باشد.

روایت دوم) مرسله صدوق: سئل الصادق (ع) فی رجل قال لامرأته یا زانیه. قالت انت ازنی منی. فقال علیها الحد فیما قذفت به و أما اقرارها علی نفسه فلا تحدد حتی تقر بذلک عند الامام اربع مرات (شیخ صدوق، بی‌تا، ۷۳/۴).

طریقه استدلال به این خبر نیز بدین گونه است که ترک استفصال امام از اینکه آیا زناى موجب رجم است یا جلد، دلیل است بر اینکه در تمام اقسام زنا اثبات آن محتاج به ۴ اقرار مستقل است.

نقد و بررسی دو خبر مزبور:

ایراداتی بر دو خبر اخیر به ذهن می‌رسد که صحت استناد به آنان را مورد تردید قرار می‌دهند، اشکالاتی نظیر:

۱- ارسال خبر اخیر که موجب ضعف آن است.

ممکن است خواننده محترم در مقام رد اشکال مذکور بفرماید اگرچه اخبار منقول در کتاب من لا یحضره الفقیه «فی بادی النظر» همگی مرسلند، لکن شیخ صدوق با ذکر مشیخه خود در پایان مجلدات کتاب، این نقیصه را جبران نموده است، لذا ارسال روایت، اشکال واردی نیست. ما در پاسخ به این اشکال، مستشکل محترم را به یک نکته توجه می‌دهیم و آن اینکه ذکر مشیخه، جابر ضعف و رافع ارسال آن دسته اخباری خواهد بود که مرحوم صدوق حداقل نام طبقه نخست راویان که خبر را بلا واسطه از معصوم استماع کرده اند، در ابتدای حدیث آورده باشد؛ در این صورت و با فرض اتصال مشایخ روایی از صدوق تا آن راوی، خبر از ارسال خارج می‌شود. لکن آن دسته از اخباری که صدوق در ابتدای نقل آنها نامی از راوی یا راویان آن نبرده است، ذکر مشیخه مفید فایده و جابر ضعف و ارسال خبر نمی‌شود. و شاید همین نکته، یعنی عدم اطمینان به صدور، موجب آن شده که مرحوم صدوق در شروع این روایت تعبیر به «قال الصادق» نکرده است و به تعبیر «سئل الصادق» اکتفا نموده است. با آنکه ایشان در موارد مشابه و به رغم ارسال ظاهری برخی روایات، به صراحت تعبیر به قال می‌نمایند. (بهبودی، گزیده من لا یحضره الفقیه، مقدمه کتاب)

۲- مورد هر دو خبر قذف است و سوال راوی نیز حکم قذفی است که قاذف همسر مقذوف است. پاسخ امام نیز ابتدا متوجه سوال راوی است. در ادامه امام به دفع دخل مقدر پرداخته و به پاسخ سوال احتمالی در ذهن راوی می‌پردازد که آیا چنین قذفی به همراه خود اعتراف به اقرار زنا نیست و در نتیجه، چنین قذفی حد زنا را نیز موجب نمی‌شود؟ امام در پاسخ می‌فرماید: زنا عنوان مستقلی است که اثبات آن محتاج شرایط ویژه خود است. به عبارت دیگر، روایت در مقام فرق گذاری میان زنا و قذف است که از آن جمله تعدد اقرار به طور فی الجمله است. لذا در این مقام تنها لزوم تعدد اقرار در زنا به طور فی الجمله را بیان می‌کند ولی این که اثبات زنا با همه انواع آن محتاج تعدد اقرار است یا خیر، این روایت در مقام بیان آن نیست. به اصطلاح، روایت در مقام بیان حکم اقرار در زنا نیست تا به اطلاق آن برای اعتبار تعدد اقرار در همه اقسام زنا تمسک شود. بلکه حد اکثر در مقام فرق گذاری میان زنا و قذف است. بر

فرض تسلیم اطلاق می‌توان مدعی شد که اطلاق این خبر به واسطه اخبار باب رجم تقیید می‌خورد و مطلق حمل بر مقید می‌شود.

۳- بعید نیست اشتراط تعدد اقرار در کلام امام مربوط به زنا باشد و صرف قذف زوجین و نسبت زنا به قبل از نکاح دلیلی بر زنا نیست و محتمل است زوج قبل از نکاح با این زن (مقدوفه) ازدواج دیگری نموده باشد. اقرار به زنا با زن مقدوفه در فرض نکاح همسر اول باشد که در این صورت، متن این خبر در راستای اخبار مذکور در باب رجم است.

۴- این خبر در تعارض با صحیحه فضیل است که در ادله تحت عنوان دلیل رأی نادر متن کامل آن را ذکر خواهیم کرد. ترجیح خبر فضیل هم با اطلاقات و عمومات ادله سازگار است و هم با اخبار رجم همخوانی دارد؛ لذا حمل صحیحه محمد بن مسلم بر مورد رجم مصداق جمع بین ادله خواهد شد و شاید به همین خاطر است که جز برخی معاصرین احدی از فقها بر ادعای خود مبنی بر شرطیت تعدد اقرار به دو خبر اخیر در باب قذف استناد نکرده است.

ب) دلیل قول نادر

گرچه از ابن ابی عقیل عمانی کتابی در دست نیست تا آرا و مستندات آن آراء را از آئینه آثار او به نظاره بنشینیم، اما همه آنانی که در آثار خود متعرض این رأی او شده‌اند، صحیح‌های را مستند کلامش ذکر کرده‌اند که معروف به صحیح‌ه فضیل است (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۶۶/۹ و شهید ثانی، مسالک الافهام ۳۴۳/۱۴ و فاضل هندی، کشف اللثام ۱۸۲ و سید علی طباطبایی، ریاض المسائل ۴۳۰/۱۳). متن این خبر چنین است: قال سمعت ابا عبد الله يقول من اقر علی نفسه عند الامام بحق من حدود الله مره واحده حُرَّ اکان أو عبداً أو حره كانت أو أمه، فعلى الامام أن یقیم الحد علیه الذی اقر به علی نفسه کائنا من کان الا الزانی المحصن فانه لا یرجمه حتی یشهد علیه اربعه شهداء فاذا شهدواضربه الحد مائه جلده ثم یرجمه (حرعاملی، بی تا). سند این خبر صحیح است و احدی از اعلام در سند آن مناقشه ننموده است. دلالت این خبر نیز بر مدعا واضح و صریح است و ابن ابی عقیل عمانی مستظهر به صدر روایت، اقرار واحد را در اثبات مطلق زنا کافی می‌داند.

مختار نگارنده: در اینجا نگارنده شایسته می‌بیند در کنار دو نظریه مشهور و شاذ، نظریه‌ای را که خود بدان رسیده است، ابراز نماید. در واقع، نظریه صاحب این قلم عموم مفاد همین صحیح‌ه است که اقرار واحد را در اثبات اقسام زنا کافی می‌بیند و تنها اخبار باب رجم با تخصیص این صحیح‌ه و در زناى موجب رجم، اثبات زنا را محتاج چهار اقرار مجزا می‌دانند. به عبارت دیگر، در زناى موجب رجم به واسطه وجود «دلیل خاص» و روایات بسیار، با دست کشیدن از عموم صحیح‌ه فضیل، تنها ۴ اقرار کامل می‌تواند مثبت حد رجم باشد اما در دیگر

صور زنا یک اقرار صحیح در اثبات جرم مذکور کافی خواهد بود. این نظریه هم با عمومات و اطلاعات ادله نفوذ مطلق اقرار سازگار است و هم صحیحه فضیل به عنوان «دلیل خاص» مستند این نظریه است. لذا نویسنده از آنجا که خبر فضیل را از حیث سند تام می‌بیند و در مدلول آن تعارضی نه با عمومات و اطلاعات ادله نه با اخبار باب رجم مشاهده می‌کند، بدان تمسک جسته است.

اشکالات ذیل خبر فضیل: قابل ذکر است برخی از اساطین ایراداتی را به صحیحه وارد

نموده‌اند که اهم آن اشکالات به قرار ذیل است:

۱- به مقتضای این خبر فرقی بین اقرار عبد و اقرار حر نیست و حال آنکه به مقتضای قواعد فقه امامیه، اقرار عبد بدون تصدیق مولی بلا اثر است.

۲- این خبر ظهور دارد در این که میان محصن و غیر محصن تفاوتی نیست. مضافاً به این که صحیحه تصریح می‌کند زنا محصن بر حسب رجم تنها به واسطه ۴ بینه اثبات می‌شود و اقرار نمی‌تواند مثبت حد رجم شود و این مخالف مذهب اصحاب است.

به واسطه عروض این اشکالات برخی این خبر را حمل بر تقیه کرده‌اند (مبانی تکمله المنهاج، خویی، ۱، ۱۷۶) و مؤید آن را موافقت با مشهور عامه دانسته‌اند (شیخ محمد حسن نجفی، ۱۳۶۷، ۴۱، ۲۸۲) و گروهی خبر را به غیر حد زانی حمل کرده‌اند (سید علی طباطبائی، ۱۴۰۴، ۲، ۴۶۲) و حتی طرح کلی صحیحه را اوجه وجوه و وجه متعین دانسته‌اند (همان).

جواب به اشکالات: اما این اشکالات هیچ‌کدام موجّه به نظر نمی‌رسد و وجوه حمل

تماماً قابل مناقشه است. باید دانست مورد خبر صرفاً کمیّت اقرار موجب ثبوت حد است و امام صرفاً در مقام بیان چنین امری است. صحیحه فضیل می‌گوید هر کسی با یک اقرار تام حد بر ذمه او مستقر می‌شود و از این جهت فرقی بین حر و عبد، زن و مرد و... نیست، دلالت صحیحه تنها همین مقدار است و این مقدار دلالت نه مخالفتی با قواعد فقه امامیه دارد و نه در تعارض با مذهب اصحاب است. مگر فقیهی هست که ادعا کند اقرار مثبت حد برای عبد مثلاً دو برابر اقرار حر است. پاسخ آن بی‌تردید منفی است. همه متفقند از جهت عدد اقرار بر بین عبد و حرفرقی نیست. بله ثبوت حد بر ذمه عبد علاوه بر اقرار محتاج تصدیق مولی است؛ لکن این مطلبی است که خارج از مورد صحیحه و بیرون از موضوع بیان آن است. اما در مورد اشکال دیگر به نظر نمی‌رسد صحیحه دلالت اقرار را در اثبات حد نفی کرده باشد؛ بلکه خبر فضیل (یکی از) راه اثبات حد را زنا محصن ۴ بینه ذکر کرده است، نفی دلالت اقرار بر اثبات حد در خبر فضیل مفهومی است که نگارنده از صحیحه مزبور برداشت نمی‌کند. شاید فقیهان ارجمند بفرمایند از آنجا که خبر در مقام بیان طرق اثبات زنا محصن است، عدم‌البیان دلیل

بر عدم اعتبار است؛ اما دوباره تأکید دارم خبر فضیل صرفاً در مقام ذکر « نفوذ یک اقرار » در اثبات همه حدود است و استثنای آن را زنای محصن موجب رجم می‌داند. با این توضیح احتمالات وارده در کلام فقها در رد خبر مزبور را صحیح نمی‌دانم؛ چرا که صرف موافقت با عامه دلیل ضعف اخبار نیست؛ بلکه موافقت و یا مخالفت با عامه از مرجحات باب تعارض‌اند و با توضیحات نگارنده به نظر نمی‌رسد صحیح مزبور تعارضی با اخبار دیگر داشته باشد. بدین خاطر حمل خبر بر تقیه نیز موجه نیست و حمل آن به غیر حد زنا مخالفت صریح صحیح است. والله العالم

نتیجه: در باب اشتراط تعدد اقرار در زنا دو نظریه سنتی در آثار مفصل فقهی امامیه قابل بازشناسی‌اند:

نظریه اول: که منتسب به مشهور ایشان است، قایل به اشتراط چنین امری هستند و عدد لازم در این اقرار را ۴ اقرار می‌دانند. در مقابل این، ابی عقیل عمانی اقرار واحد را در اثبات جرم زنا کافی می‌داند. نگارنده با مناقشه هر دو قول و بررسی مستندات هر دو رای به رای سومی متمایل شده است و معتقد است به جز در زناى موجب رجم، یک اقرار کافی در اثبات مطلق زنا خواهد بود؛ لکن تنها در جرم مذکور از باب حفظ دماء رأی مشهور را مصاب به واقع می‌بیند. این نظریه علاوه بر سازگاری با روایات باب رجم و نیز عمومات و اطلاعات ادله نظیر اقرار العقلای انفسهم جایز، مستظهر به دلیل خاص است. صحیح فضیل راه حل جمع میان رأی نادر و قول مشهور است و همّت نویسنده زدودن غبار اشکالات و ایرادات از ساحت خبر فوق و اثبات مدعای خویش بود.

کتابنامه

- ۱- ابن ادریس الحلّی، ابی جعفر محمد بن منصور، (۱۴۱۰)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی [الطبعة الثانية].
- ۲- ابن الأشعث السجستانی، الحافظ ابی داود سلیمان، (بی‌تا)، سنن ابی داود، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ۳- ابن براج الطرابلسی، القاضی، عبدالعزیز، (بی‌تا)، المهدب، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، (ایران).
- ۴- ابن رشد القرطبی الاندلسی، أبو الولید محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد، (بی‌تا)، بداية المجتهد ونهاية المقتصد، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع.
- ۵- ابن قدامة موفق الدین أبی محمد عبد الله بن احمد بن محمد، (بی‌تا)، المغنی، دار الكتاب العربی للنشر والتوزیع.

- ٦- الاردبيلى، احمد بن محمد،(بى تا)،مجمع الفائدة و البرهان فى شرح ارشاد الاذهان، قم ، مؤسسه نشر الاسلامى.
- ٧- الخوانسارى السيد احمد،(١٣٥٥)،جامع المدارك فى شرح المختصر النافع،الناشر مكتبة الصدوق، طهران، الطبعة الثانية.
- ٨- الخوئى، السيد أبو القاسم الموسوى،(بى تا)، مبانى تكملة المنهاج، مطبعة الآداب، النجف الاشرف.
- ٩- سارلار،ابى يعلى حمزة بن عبد العزيز الديلمى،(١٤١٤)، المراسم العلوية فى الاحكام النبوية، قم، الناشر: المعاونة الثقافية للمجمع العالمى لاهل البيت(ع) تاريخ الطبع، المطبعة امير.
- ١٠- السرخسى شمس الدين، المبسوط، لبنان ، دار المعرفة بيروت.
- ١١- الشهيد الثانى، زين الدين الجبلى العاملى،(١٤١٠)، روضه البهيه فى شرح اللعنه الدمشقيه، قم، انتشارات دادرى [الطبعه الاولى].
- ١٢- الشهيد الثانى، زين الدين الجبلى العاملى،(١٤١٣)،مسالك الافهام فى شرح شرايع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامى، [الطبعه الاولى].
- ١٣- شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى،(١٤٠٧)، الخلاف، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، التاريخ.
- ١٤- شيخ الطائفة أبى جعفر محمد بن الحسن الطوسى،(١٣٨٧)،المبسوط فى فقه الإمامية ، طهران، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، المطبعة الحيدرية .
- ١٥- الشيخ المفيد، أبى عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبرى البغدادى،(١٤١٠)، المقنعة، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة الثانية.
- ١٦- الصدوق ابى جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى،(بى تا)، من لا يحضره الفقيه، جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية فى قم المقدسة.
- ١٧- الطباطبائى، سيد على،(١٤٠٤)، رياض المسائل فى بيان الاحكام بالدلائل ، قم، مؤسسه آل بيت.
- ١٨- العاملى، الشيخ الحر،(بى تا)، وسايل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، دار احياء التراث العربى، بيروت.
- ١٩- العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن المطهر،(١٤١٠)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، مطبعة مؤسسة النشر الاسلامى الطبعة الأولى.
- ٢٠- العلامة الحلى، حسن بن يوسف بن المطهر،(١٤٢٠)، تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه ، قم، مؤسسه الامام الصادق، [الطبعه الاولى].

- ۲۱-العلامه الحلبي، حسن بن يوسف بن المطهر،(۱۴۱۳)، قواعد الاحكام في معرفة الحلال والحرام ، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، الطبعة : الاولى.
- ۲۲-العلامه الحلبي، حسن بن يوسف بن المطهر،(۱۴۱۲)، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة، الطبعة : الأولى.
- ۲۳-الفاضل الآبي، زين الدين أبي علي الحسن بن أبي طالب،(بى تا)، كشف الرموز في شرح المختصر النافع، مؤسسة النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
- ۲۴-الفاضل الهندي، بهاء الدين محمد بن الحسن،(۱۴۰۵)، كشف اللثام، قم، مكتبه سيد المرعشى.
- ۲۵-الكاسانى الحنفى علاء الدين ابى بكر بن مسعود،(۱۴۰۹)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر المكتبة الحبيبية، باكستان، الطبعة الاولى.
- ۲۶-الكلبي يگانی، سيد محمد رضا،(۱۴۱۲)، الدر المنضود في احكام الحدود ، مقرر الشيخ على الكرىمى الجهرمى، دار القرآن الكريم، [الطبعة الاولى].
- ۲۷-المحقق الحلبي، نجم الدين جعفر بن الحسن،(۱۴۰۹)، شرايع الاسلام في المسائل الحلال و الحرام، انتشارات استقلال تهران، [الطبعة الثانية].
- ۲۸-المحقق الحلبي، نجم الدين جعفر بن الحسن،(۱۴۰۲)، المختصر النافع في فقه الامامية، طهران، منشورات، قم الدراسات الاسلاميه في مؤسسه البعثة الطبعة الثانية.
- ۲۹-المزنى اسماعيل،(بى تا)،مختصر المزنى، دار المعرفة للطباعة والنشر، بيروت لبنان.
- ۳۰-النجفى، الشيخ محمد حسن،(۱۳۶۷)، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، تهران، دار الكتب، الاسلاميه، نوبت چاپ سوم.